

نامه فعالان جنبش زنان به نسرین ستوده:



به خاطر ایمان مشترک مان به «دفاع از زندگی»
یکشنبه ۲ آبان ۱۳۸۹ - ۲۴ اکتبر ۲۰۱۰
منبع: مدرسه فمینیستی

جمعی از فعالان جنبش زنان و موکلان نسرین ستوده، در خانه وی گردهم آمدند تا در حضور خانواده نسرین، از وی درخواست کنند اعتصاب غذایش را بشکنند.

در این نشست مینو مرتاضی، فرزانه طاهری، فیروزه صابر، پروین بختیارنژاد، هاله سحابی، طلعت تقی نیا، ناهید کشاورز، فخری شادفر، فرخنده احتسابیان، شیرین بهرامی راد، باربد گلشیری، اکرم مصباح، پرستو الهیاری، فرشته جمشیدی، نسرین طائبیان، رزا قراچورلو، صادق شیردل، اعظم اکبرزاده، سونیا ترکمان، سوسن شعبانی، نوشین احمدی خراسانی و... حضور داشتند که هر یک سخنان کوتاهی را در وضعیت نسرین ستوده مطرح کردند و سرانجام نامه سرگشاده این جمع خطاب به نسرین ستوده قرائت شد. متن این نامه به شرح زیر است:

نامه جمعی از فعالان جنبش زنان و موکلان نسرین ستوده به او برای پایان دادن به اعتصاب غذایش
نسرین جان،

ما امروز اینجا، در آشیانه پُر مهرت که دو جوجه خردسال را در آن به ناز پرورانده ای، گرد هم آمده ایم، تا بگوییم نه به خاطر خودت که به خاطر رنج ما، لب هایت را بگشا و اعتصاب غذایت را بشکن.

آری ما اینجا گرد هم آمده ایم که در عین ابراز احترام به تصمیمی که از قرار تنها راه گشاده پیش روی تو بوده است، بگوییم می دانیم ایمان ات به اجرای قانون انسانی و برابر، چون کوه، استوار است اما، ما یاران ات در جنبش زنان تحمل قطره قطره تحلیل رفتن تن رنجورت را نداریم.

آری ما امروز غمگانه آشیانه ات را محمل کرده ایم تا بگوییم:
- نه به خاطر خودت / که به خاطر ما، به خاطر درد مشترکمان، لب هایت را بر غذا بگشای

آری، ما امروز آمده ایم به خانه ی تو که بگوییم:
- نه به خاطر آفتاب / که به خاطر سایه پُر مهر تو بر سر موکلان ات که به وسعت جهان است،

- نه به خاطر حماسه های تابناک / که به خاطر «مقاومت های روزمره

مان» در کوران زندگی نابرابر

- نه به خاطر ترس از جان / که به خاطر «ترس ما» از تنهایی خودمان،

- به خاطر آرزوی یک لحظه همسر و فرزندان که پیش تو باشند،

- نه به خاطر شاهراه های دوردست

- به خاطر دست های کوچک مهرآه و نیما در دست های مهربان مادرشان

- نه به خاطر پس زدن دیوارهای عبوس اوین

- به خاطر ایمان مشترک مان به «دفاع از زندگی» و حضور تو ، که پیش ما باشی

- نه به خاطر انسان های بزرگ

- به خاطر کودکانی که بی هیچ پناه و سایه امیدی پای چوبه های دار می روند

- به خاطر زنان هم وطن ات که هر روز از قوانین نابرابر رنج می برند

- به خاطر کودکان کار و رنج هایشان که تو تسکین می دادی،

- و نه حتا به خاطر نیما و مهرآه ات

- که به خاطر دخترکان زندانبانانت که در اسارت قوانین نابرابر نیازمند دفاع تو هستند

آری نسرين جان به خاطر هر چيز كوچك و هر چيز پاك، لب هایت را بگشای تا چهره و لبان یارانت در جنبش زنان به لبخندی گشوده شود.

جمعه - 30 مهرماه 1389

خلاصه ای از سخنان برخی از حاضران در نشست امروز

نوشین احمدی خراسانی در ابتدای این دیدار گفت: « ما اینجا گردهم آمده ایم چون به شدت نگران جان و سلامت نسرين ستوده هستیم و آمده ایم تا از نسرين ستوده بخواهیم پس از نزدیک به یک ماه اعتصاب غذایش را بشکنند. همه ما که طی سالها شاهد فعالیت های نسرين ستوده بودیم می دانیم که فعالیت های او همواره در چارچوب قانون بوده و کارهایش را تماما در چارچوب حرفه ی وکالت اش انجام می داده است.

اما امروز که اینجا گرد هم آمده ایم باید بگوییم که نسرين ستوده به خاطر نقض همین قوانین موجود توسط مسئولان زندان، ناچار به اعتصاب غذا شده است. متأسفانه می بینیم در جامعه ما به جای آن که حاکمان و قوه قضائیه به اجرای صحیح قانون، متعهد باشند، مرتبا خودشان قانون را نقض می کنند. معلوم نیست آینده جامعه ای که قوانین توسط خود قانونگذاران نقض می شود به کجا خواهد کشید؟ بدون شک اگر این روند نامبارک نادیده گرفتن قانون توسط مسئولان قضایی ما به همین شکل تداوم یابد، جامعه ما با بحران های متعدد و لاینحلی مواجه خواهد شد از جمله: بحران های اخلاقی و هرج و مرج. وقتی به جای آن که قوه قضائیه و مسئولان حکومتی که باید سنگ قانون را به سینه بزنند و تمام و کمال آن را اجرا کنند، آنوقت ما فعالان جنبش زنان و فعالان مدنی در نبود این تعهد از سوی مسئولان، مرتبا باید نگران اجرای همین قوانین باشیم، مسلما جامعه ما آینده ی بدی

پیش رو خواهد داشت.»

سپس **مینو مرتاضی** سخنان خود را بدن گونه آغاز کرد: «سوال ما از مسئولین قوه قضائیه و کارگزاران حکومت این است که برخورد با خانم ستوده و دیگر فعالان حوزه های مدنیت در ایران بر اساس کدام نگرش صورت می پذیرد؟ اگر از زاویه نگرش دینی و سنتی است که در نگرش اسلامی سیاست هر مسلمان عین دیانت اوست. و در واقع زن مسلمانی چون خانم نسرين ستوده بر اساس اخلاق مذهبی و دینی اش از موکلان اش دفاع می کند و غمخوار آنان می شود. اما اگر از زاویه نگاه نو و مدرن به فعالیت های عدالتخواهانه و قانون مندانه خانم ستوده نگاه کنیم باز هم به آسانی در می یابیم که نسرين ستوده یک فعال مدنی است. فعال مدنی یعنی فردی با اخلاق یک شهروند مدرن، او چون هر انسان مدرنی دفاع از حقوق انسان ها و حقوق بشر را وظیفه خود میداند. در جوامع توسعه یافته و در حال توسعه باید توجه داشت که هر یک از افراد جامعه خود را مسئول و موظف به حمایت از حقوقی می داند که زندگی را برایش آسانتر و دوست داشتنی تر می کند. بسیاری از فعالان جوامع مدنی خود را نه تنها مقید به دفاع از حقوق انسانها و سایر شهروندان می دانند بلکه برای حیوانات و گیاهان و کلا محیط زیست هم حقوقی قائلند و از آن حقوق دفاع می کنند. زیرا فعالان مدنی نیک می دانند در طبیعت همه چیز به هم پیوسته است. و چنین حمایت هایی در جوامع توسعه یافته در قالب اخلاقیات شهروندی خود را نشان می دهد. حال باید پرسید که چرا با یک فعال مدنی مانند نسرين ستوده که در واقع وظیفه شهروندی و مسئولیت اخلاقی خودش را در دفاع از حق و حقوق کودکان و موکلین اش انجام می دهد، برخورد سیاسی می شود؟ چرا نسرين باید در زندان نگه داشته شود و ناچار شود که به دلیل فشار های وارده و نادیده گرفتن حقوق ابتدایی اش به عنودان یک شهروند مسئول، دست به عملی بزند که خشونت علیه خودش محسوب می شود، یعنی اعتصاب غذا. می دانیم که اعتصاب غذا در حقوق بشر هم امری پذیرفته شده نیست، اما این که چرا نسرين ناچار می شود دست به اعتصاب غذا بزند، شاید دلیل اش این باشد که برای او راهی جز این برای نشان دادن حقوق پامال شده اش باقی نگذاشته اند!! متأسفانه فعالیت مدنی در جامعه ما از سوی حاکمان به رسمیت شناخته نمی شود و با فعالان اخلاق مدار جامعه مدنی ایران و کسانی چون خانم ستوده برخورد های پلیسی و امنیتی میشود. و هر گونه فعالیت مدنی، دچار عقوبت ها و مجازاتهای سیاسی میگردد. ما این جا گرد آمده ایم تا از خانم ستوده بخواهیم به اعتصاب غذایش پایان دهد. و تن شریف اش را بیش از این رنجور نسازد. و از مسئولین قوه قضائیه می خواهیم با خانم ستوده که وکیل دانا و آشنا به قوانین و حقوق خویش است بر اساس احترام به حقوق انسانی و قانونی یک زن مسلمان و یک شهروند مسئول برخورد کند.»

فیروزه صابر هم در این جمع صمیمانه، بحث خود را با طرح یک پرسش بیان کرد: «نسرين ستوده یک وکیل بود و فعالیت هایی که کرده صرفاً

در چارچوب کار حرفه ای اش انجام گرفته است، حال این پرسش مطرح است که اگر حرفه وکالت در این مملکت به رسمیت شناخته شده، پس وکلا باید برای انجام وظایف شان چه بکنند؟».

پس از او پروین بختیارنژاد هم گفت: «نسرین ستوده وکیلی است که در حوزه شغلی خود فعالیت و اطلاع رسانی می کرده است. من در اینجا می خواهم از آقای جعفر دولت آبادی، دادستان تهران این سؤال را مطرح کنم که به راستی یک وکیل چگونه باید از موکلان اش دفاع کند؟ پاسخ به این سؤال، به یک معضل اساسی تبدیل شده است و به نظر می رسد که همه وکلا سرگردانند که چگونه باید حق موکلان شان را بستانند و چگونه باید کارشان را ادامه بدهند؟»

فرزانه طاهری نیز در این دیدار، نگرانی خود را از وضعیت بغرنج نسرین ستوده این طور بیان کرد: «وضعیت نگران کننده نسرین ستوده، بدون شک برای همه ما دردناک است. هر چند می دانم که تنها راه و واقعا تنها راه یک زندانی برای آن که به وضعیت غیرقانونی خود اعتراض کند، همین اعتصاب غذاست، ولی فکر می کنم وجود نسرین و سلامتی او نیز برای همه ما مهم است. در هر صورت نمی دانم چطور قرار است این پیام های ما به گوش نسرین برسد، اما امیدوارم که این پیام ها به او برسد و او اعتصاب غذایش را بشکند، چرا که جامعه ما به وجود نسرین ستوده نیازمند است.»

فخری شادفر یکی دیگر از فعالان جنبش زنان که در نشست امروز شرکت کرده بود گفت: «در تمام مراحل بازداشت و دستگیری نسرین ستوده، کارهای غیرقانونی بسیاری انجام گرفته و حتا در زندان او را به طور غیرقانونی از تلفن زدن به فرزاندانش محروم و خانواده و وکلایش را از ملاقات با او ممنوع کرده اند. او را در بازداشت نگه داشته اند درحالی که اگر هم کسی جرمی مرتکب شده است باید در چارچوب قانون با آن برخورد شود. از سوی دیگر می بینیم که تحمل حاکمیت هر روز به مراتب بیش از گذشته کم می شود.»

فرشته جمشیدی نیز سخنان اش را این گونه آغاز کرد: «متأسفانه حاکمیت هر نوع انتقادی را به حوزه سیاست می کشاند. ما واقعا نمی دانیم مرز بین یک انتقاد معمولی از وضعیت و مشکلات روزمره مان با انتقاد سیاسی چیست؟ و حد و مرزش کجاست؟ الان ما حتا در محل کارمان وقتی یک انتقاد از وضعیت و مشکلات شغلی مان می کنیم، فورا آن را انتقادی سیاسی تلقی می کنند و با انگ های مختلف به اخراج و محرومیت های مختلف تهدید می شویم. حال پرسش این است که فعالیت وکلایی مثل نسرین ستوده، آیا مدنی است یا سیاسی؟»

سونیا ترکمان نیز یکی دیگر از سخنرانان این نشست بود که نگرانی خود را بیان کرد: «من یک مادرم و می خواهم نگاه مادرانه به این قضیه بکنم. نسرین ستوده مادر دو کودک است. حالا در حاکمیتی که می گوید بهشت زیر پای مادران است، چطور مادر دو بچه خردسال را در زندان نگه می دارند و حتا نمی گذارند به بچه هایش تلفن بزنند». **نسرین طائبیان**، همکار نسرین ستوده در انجمن حمایت از حقوق کودکان

نیز گفت: «نسرین ستوده همواره کارش در چارچوب قوانین موجود بود، من به یاد دارم که او مرتباً از ورود به مسائل سیاسی انجمن را منع می کرد و صرفاً اصلاح قوانین را درخواست می کرد. وقتی ما کار برای بچه های کودکان کار در دروازه غار را آغاز کردیم، نسرین ستوده از همان ابتدا مجانی و بدون هیچ چشمداشتی به بچه های دروازه غار که مشکلات حقوقی بسیار داشتند، مشاوره های حقوقی می داد. برای همین است که امروز این کودکان کار دروازه غار در انتظار و چشم به راهش هستند. نسرین ستوده آنقدر پرونده های مختلف در رابطه با همین کودکان کار داشت که من گاهی به او می گفتم چرا دفتر وکالت گرفته چون او عمدتاً پرونده های حقوقی داشت که رایگان انجام می داد، از پرونده ها و مشاوره های حقوقی به کودکان کار، تا بچه های اعدامی زیر 18 سال تا بقیه پرونده های فعالان مدنی و جنبش زنان و...»

ناهدید کشاورز هم در این دیدار نگرانی شدید خود را نسبت به جان نسرین چنین بیان داشت: «جان نسرین ستوده در خطر است و این واقعه کوچکی نیست، چرا که ما نه تنها از جان یک انسان بلکه از جان یک وکیل، و نه تنها از جان یک وکیل بلکه از جان یک وکیل متبحر و با سواد و تجربه حقوقی بسیار بالا صحبت می کنیم که جامعه ما خیلی زحمت کشیده تا چنین وکیلی را در خود پرورش داده است. برای همین نسرین ستوده در واقع یک سرمایه اجتماعی در جنبش زنان که امروز جان اش در خطر است و جای او را به این راحتی جامعه نمی تواند پر کند. نسرین ستوده نه تنها وکالت ما را برعهده می گرفت و در پرونده های ما با تبحر بسیار عمل می کرد بلکه به ما همواره شجاعت و جسارت می داد و به ما منش و روش های احترام به قانون را می آموخت.»

اکرم مصباح یکی دیگر از شرکت کنندگان در بحث خود به طرح چند سؤال پرداخت: «من می خواستم این نکته را یادآور شوم که اگر فشار و دستگیری نسرین ستوده به خاطر موکلانش بوده است، پس چگونه است که در سیستم قضایی اساساً «وکیل» به رسمیت شناخته شده است؟ اگر وجود وکلا در سیستم قضایی ضروری شناخته شده است، پس چرا باید وکیلی را به جرم آن که وکالت افراد را برعهده گرفته است بازداشت کنند؟ حال حتی اگر موکلی بدترین جرم ها را مرتکب شده باشد باز هم در سیستم قضایی برعهده گرفتن وکالت آن فرد، امری ضروری اعلام شده است حال باید پرسید واقعاً جرم نسرین ستوده که کل فعالیت هایش در چارچوب پرونده هایی است که وکالت شان را پذیرفته است چیست؟»

در انتها پرستو اله یاری ضمن ابراز نگرانی از سلامت نسرین گفت: «در تمام این سالها ما هر چه از نسرین ستوده یاد گرفته ایم صبر، مقاومت و قانون مداری بوده است. حالا هم با اطمینان به صبر او مطمئن ایم که به خاطر عملکرد غیر قانونی روند بازداشت خود، اعتصاب غذا را طی این مدت ادامه داده، بنابراین به خاطر سلامت او درخواست می کنیم روند قانونی پی گرفته شود تا خانم ستوده به اعتصاب خود پایان دهد.»

لازم به ذکر است که پیش از نشست امروز فعالان جنبش زنان، نیز :
زهرا رهنورد، شیرین عبادی، 5 تن از شخصیت های ملی مذهبی(حبیب الله پیمان، عزت الله سحابی، حسین شاه حسینی، اعظم طالقانی، نظام الدین قهاری) و چهار تن از زندانیان رجایی شهر(منصور اسانلو، رسول بداغی، عیسی سحرخیز، حشمت الله طبرزدی) و جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی، طی بیانیه هایی ضمن ابراز نگرانی شدید از وضعیت سلامت نسرين ستوده از وی درخواست کرده بودند که اعتصاب غذای خود را بشکنند.